

به بهانه هفتم مارچ روز جهانی زن



امین الله مفکر امینی

از ایالت منی سوتای امریکا

در آغاز سخن، نخست میخوام اینروز پر ارج تاریخی را به همه زنان قهرمان و رنج کشیده میهن زیبایم در هر جاییکه اند چه در داخل میهن و چه در خارج از میهن از اعماق قلب و خلوص نیت تبریک بگویم و بعدالین روز مبارک را نیز از طریق آنها به سایر زنان مبارز و بلا کشیده ای جهان شاد باش و مبارک باد عرض بدارم و باین اساس هم مبارزات برحق و خستگی ناپذیر شانرا به خاطر تساوی حقوق شان با مردان، در همه عرصه های زنده گی مادی و معنوی آرزو میبرم.

تاریخ هفتم مارچ به عنوان روز جهانی زن به خاطر زنان کارگر نساجی در سال ۱۸۷۵ در نیویارک ایالات متحده امریکا پیوند میخورد و بعدا در اروپا در دومین کنفرانس سوسیالیستی بین المللی زنان که در آن صد شرکت کننده از ۱۷ کشور جهان اشتراک داشتند به پیشنهاد کلارازتکین در ۲۷ آگست سال ۱۹۱۰ در کینهاک روز هفتم مارچ به عنوان روز زن و برای دفاع حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیضات مختلف برگزیده شد.

هفتم مارچ روز جهانی زن که در سطح جهانی از آن تجلیل بعمل میآید، در وطن ما هم که متاسفانه حضور قوای ناتو، حق خود ارادیت مردمان شریف، صدیق، غیور و آزاده ای ما را تحت پوشش و حمایه از استقلال سیاسی و ایجاد دیموکراسی به خطر انداخته است، از این روز

در شرایطی تجلیل خواهد شد که هنوز هم مناسبات فیودالی و حتی ما قبل فیودالی در آن به مشاهده میرسد و نفوذ استعمار و استثمار امپریالیزم کهنه کار و عصر حاضر عملاً بآن پیوند خورده است و وجود دارد.

زنان قهرمان را که در واقعیت امر مادران اند و باصطلاح در عالم اسباب زاینده گان پیامبران، فیلسوفان، مکتشفین، مخترعین، امپراتورها، سلاطین، علامه ها، مولوی ها، علما، روحانیون، نویسندگان، شعرا، اُدبا، قهرمانان، رزمندگان و جهان کشایان و غیره و غیره بشمار میروند، آیا میشود باین موجود زیبای طبیعت و جوامع بشری، کلامی در خور ستایش و توصیف آفرید و آنانرا ستود؟.

افسوس که زنان، این والاگهران جوامع بشری را انسانهای فاقد علم و دانش یعنی فرزندان ناخلف در جوامع مبتنی بر ظلم و استبداد و قانون شکنیها با پیروی از عادات و رسوم کهنه و ناپسند، عقاید دینی و مذهبی و قوانین ارتجاعی، سزاوار چی ها بود که ندانستند! لت و کوبها، طلاقهای اجباری، به کارهای شاقه گماشتن، حق آزادی آنها را سلب کردن، از حق و نعمت تحصیل محروم کردن، زوجه های متعدد غیرقانونی در قید نکاح آوردن، زنده بآتش انداختن، به سر و صورت شان تیزاب انداختن، دید و لذت بردن از آفرینشهای زیبای طبیعت را که خداوند متعال و توانا حقی هر موجود زنده ای دانسته و به خصوص با نسانها این اشرف مخلوقات آنها را از لطف و کرمش ارزانی داشته و رجحان داده در زیر چتر سیاه چادری ها، دلاقها و چادر نماز ها و غیره روز شانرا به شب تار مبدل داشتند. آری! اینهاست تحفه های گرانبها باین خلقت زیبای طبیعت.

هرگاه به تاریخ بشر، به هر دوره ای از زیست نظر اندازی شود با انواع مختلفی از این نوع مظالم اجتماعی و انسانی در حق زن بنا بر خصلت مرد سالای و خصلت طبقاتی و استفاده از فرهنگ، کلچر و کلتور، رسوم و عادات ناپسندیده، عقاید و سنن دینی و مذهبی و قوانین ارتجاعی برخورد هایی صورت گرفته که اکثراً به قیمت جان میلیون ها میلیون از زنان در مقیاس جهانی انجامیده است و تاریخ هر کشور و هر سرزمینی بر این گواه است. همچنان جعلیات این گفته ها که زن موجود ناقص العقل میباشد، زنان به جز وظایف به وجود آوردن

فرزندان و اطفال و اشتغال داشتن در امور منزل و خانه داری دوزنده گی و آشپزی، زبینه به کارهای دیگری نیستند، زن از قبرغه ای چپ مردان بوجود آمده آند، مردان به زنان باید چیره باشند غیره و غیره در هر فرهنگی به وضاحت دیده شده است. حتی در ازمنه های خیلی قدیم یعنی تاریخ مصر قدیم بنام عروس نیل رسمی وجود داشت که در زمان طغیانی شدن رود نیل، زنی را چون عروسی می آراستند و تحفه نیل گفته زنده به رود نیل می‌انداختند. همچنان در سرزمینی پهناور هند هم رسمی وجود داشت که چون شوهری از جهان رخت سفر می بست آنگاه زنش را در پهلو شوهر زنده بآتش میسوختاندند و این رویه را شاعری، وفای زن گفته بطور زیبا و دلنشین چنین بیان داشته است.

در طریق عشقبازی کم ز هندو زن میباش کز فراق مرده، زنده سوزد جان خویشرا

در جامعه مرد سالاری میهن ما که در آن نفوذ جنگسالاران و راستگرایان بنیادی به وضاحت دیده میشود این تنظیمهای "جهادی"، در پهلو همه چور و چپاولها، آتش سوزیها قتل و قتالها و غصب و غارت داراییهای عامه و شخصی، به زنان غیور و با عصمت نیز تجاوزات جنسی نموده که تاریخ ملت افغان و جهان کمتر به مثل آن تجربه کرده است.

به خصوص دوره طالبان بشکل افراطی در برخورد با امور دولرداری و طور اخص به امور زنان عمل نموده و قواعد و قوانینی را تسجیل و به صحت اجرا گذاشتند که به مشکل میتوان نمودی از آنها را در جایی دیگری سراغ نمود.

برای اثبات قول، در ذیل میخواهم یکی از مواد مندرج مقرر تنظیم اجراء وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر منتشره جریده رسمی را که به اساس فرمان ۱۲۹۸ مقام امارت اسلامی افغانستان در دور "طالبان" در مورد انفاذ ضمیمه شماره یکم مقرر تنظیم اجراء وزارت مذکور نافذ شده بود بنگارم.

فصل دوم ماده چهارم:

بند (۱) - هر زنیکه با روی برهنه، بی حجاب و یا هم بدون چادری از منزل بیرون شود منزلش را نشانی نموده و برای شوهرش جزای لازم بدهد. یا زنها با نظر داشت حالت جابجا تهدید نماید.

هرگاه زن ذکر شده از وسایط نقلیه در حالت انتقال دیده شود درپور را نیز با نظر داشت حالت از یک الی پنج یوم حبس نماید.

اکنون شاهدیم که با گذشت زمان، زنان در پروسه تکامل تاریخ با وجود تحمل اعمال شاقه و ناگوار قتل و قتل، تجاوزات جنسی، به سلول زندانها سپری کردن و یا به کشورهای اجنبی تبعید شدن، به پختگی سیاسی رسیده و با دانش انقلابی آراسته گردیده و به جنبش داد خواهانه ای شان به مقیاس ملی و بین المللی ادامه داده و روز تا روز با هم متحد تر و نزدیکتر میگردند.

همچنانکه در تاریخ بشر قیام برده ها به رهبری اسپار تا کوس اولین قیام زنجیر شکن برده داری علیه نیروی عظیم و مجهز رومن ها بشمار میرود و از لحاظ کمیت و کیفیت غیر قابل مقایسه و محاسبه هم بود ولی تاریخ مبارزت ضد برده داری و غلامی را پایه گذاری و اساس گذاشت به همین طور زنان قهرمان و مبارز در گوشه و کنار جهان به پا خواسته و به دفاع از تامین حقوق مساوی نه تنها برای خود بلکه به دفاع از حقوق همنوع شان نیز به تلاش های خستگی نا پذیر پرداختند و تا آخرین رمق حیات رزمیدند و یوع و زنجیر اسارتها را از دست ها و پا ها و گردنهای شان گسسته و بدور انداختند و موقف خود ها را بحیث موجود آگاه و بیدار در جایگاه مردسالاری تثبیت نمودند و سهم مساوی شانرا در همه امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باثبات رسانیدند.

امروز به اثر تلاش ها، خود گذریها و دادن هزاران نوع قربانی توسط زنان مبارز نه تنها این جنبش رهایی بخش زنان از قید مظالم اجتماعی به محور و پایگاه مطمین دفاع از حقوق زن چه در مقیاس ملی و چه مقیاس بین المللی تبدیل شده است بلکه پیامد های آن طور واضح قابل درک و لمس نیز میباشد. در ذیل طور خیلی فشرده باصطلاح مشتم نمونه ای خروار گفته، با حفظ مقام والا و نقش همه زنان مبارز و دلیر دیگر میهنم در تمام عرصه ها که صفحات انترنتی و دگر نشرات و وسایل ارتباط جمعی و فردی داخل میهن و خارج آن از نشر مقالات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اشعارشان و همچنان نشرات رادیویی و تیلویزیونی پر بار و بزینت میباشد، فقط اسم های یکعده زنان برجسته و نامداری را از سطح ملی گرفته تا مقیاس بین المللی طور مثال تذکر میدهم که به یقین نتایج کار و زحمات شان و تلاشهای شان با پیوند با دیگر زنان و همزمان

شان بخاطر احیا و کسب تساوی حقوق بین زن و مرد مثالی برای سایر زنان دلیر، شجاع و داغ‌دیده باشد و هم درسی خوبی برای کهنه‌پسندان و جابران جوامعی که سد پیشرفت جنبش زنان به ذرایع مختلف و با استفاده از زر و زور، مذهب، رسوم و عنعنات کهنه و قدرت سیاسی گردیده‌اند.

۱- **دکتورس اناهیتا (ناهد)** راتب زاد یک شخصیت برازنده و سرشناس در بین زنانی میهن‌محبوب ما بوده که فریاد عدالتخواهانه‌ای شان بخاطر جنبش‌های بخش‌زنانی پر درد و بلاکشیده‌ای وطن از قید زنجیر غلامی جامعه مردسالاری افغانستان و بخاطر تساوی حقوق و کسب آزادی و سهم فعال آنها در همه امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، از زمان جنبش زنان افغان در حمایت از حقوق زن، از دوران محصلی تا دور فراغت شان از فاکولته طب پوهنتون کابل در سال ۱۹۶۳ و دوره وکالت شان در ولسی جرگه در سال ۱۹۶۵ و بعد از آن طور پیگیر بگوش همه میهنان صدیق و مبارز میهن ما آشنا می‌باشد. ایشان در دوره وکالت بخاطر فریاد و انتقاد شان از نظام فرتوت شاهی و مردسالاری جامعه‌ای افغانی مورد خشم دسته‌های راست‌گرای مذهبی و عناصر وابسته به دربار سلطنتی مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بشفاخانه بستر شدند. محترمه دکتورس اناهیتا راتب‌زاد در اکتوبر ۱۹۳۱ عیسوی در گلدره ولایت کابل در یک فامیل روشنفکر دیده به جهان گشودند. پدرشان احمد راتب، نویسنده و در جنبش جوانان افغان سهیم بودند دکتورس اناهیتا راتب زاد بحیث یک زن مبارز و آگاه وطن بخاطر نجات زنان در سال ۱۹۶۶ برای اولین بار سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را بنیاد گذاشت و تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ آنرا رهبری نمود. روز هشتم مارچ یعنی روز جهانی زن برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ در وطن ما افغانستان عزیز تجلیل شد. دکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۹۶۸ به عضویت کمیته مرکزی ح د خ ا (جناح پرچم) درآمد. وی بحیث یک زن مبارز پیگیر، خاصاً بخاطر رهایی زنان میهن، زحمات زیادی متقبل شدند و مقالات و مضامین شان بیشتر بخاطر بهبود وضع اجتماعی زنان و تامین شرایط درست حفظ الصحوی آنان بود. محترم اناهیتا راتب زاد در حیات سیاسی و امور دولتی شرکت فعال داشتند و پستهای چون عضویت کمیته مرکزی ح د خ ا، عضویت بیروی سیاسی ح د خ ا، عضو هیئت ریسه شورای انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزیر امور اجتماعی، وزیر معارف، سفیر یوگوسلاویا و غیره اشتغال داشتند. محترمه دکتورس اناهیتا در جمع حلقات مترقی اجتماعی و

سیاسی جهان بحیث یک شخصیت فعال یونسکو، شورای جهانی صلح و سازمان همبستگی آسیا و افریقا از شهرت وسیعی برخوردار بودند. بالاخره محترمه دکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۹۸۶ از رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان سبکدوش گردیده و به همین ترتیب در پلینوم ۱۷ کمیته مرکزی از عضویت کمیته مرکزی و متعاقبا از تماما پست های حزبی و دولتی سبکدوش گردیدند. دکتورس اناهیتا راتب زاد دارای سه فرزند یک دختر و دو پسر بوده و در یکی از شهرهای کشور آلمان زنده گی دارند.

۲- **ملالی جویا-** در ۲۶ ثور ۱۳۵۷ در ولایت فراه یکی از ولایات افغانستان تولد یافته و یکی از جوانترین عضو پارلمان "ولسی جرگه" میباشد. وی در سخنرانی ایکه در آن پارلمان نمود، اعضای پارلمان را ترکیبی از بنیاد گرایان و جنگ سالاران جهادی دانسته مورد خشم اعضای پارلمان قرار گرفت و موصوفه را زنی اهانت کننده، ملحد و کمونست گفته و خواهان اخراجش از عضویت پارلمان شدند.

روزنامه واشنگتن پست تحت عنوانی "**صدای افغانی که ترس و وحشت خاموشش نخواهد کرد**" نوشت "راستکاری جویا در این است که از نگاه او به جنگ سالاران نباید اجازه داده شود که خود را در زیر نقاب دیموکراسی پنهان نموده و به کرسی های خود بچسبند و بقیمت مردم غریب و پا برهنه و بینوا به دنبال منافع زیان آور خود باشند وی همچنان بتاريخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۷ به تعقیب تصویب طرح "مصالحه ملی" در پارلمان که بر اساس آن تمامی متهمین جنایات جنگی طی دو دهه اخیر از تعقیب قانونی معافیت حاصل مینمایند، جویا جلسات پارلمان را تحریم کرد و با اعتراض شدید آنرا "خیانت ملی" خواند. پارلمان افغانستان با اکثریت آرا عضویت ملالی جویا را بتاريخ ۲۱ می ۲۰۰۷ برای سه سال به حالت تعلیق در آورد و بجرم اهانت به پارلمان که آنرا طی مصاحبه ای بدتر از "طویله" و به جز چند تن محدود جولانگه اژدارها خوانده بود به محکمه راجع ساخته و ممنوع الخروج اعلام نمود. به اساس تعلیق جویا از عضویت پارلمان، تظاهراتی در شهر های جلال آباد، کابل و تخار، هرات و بغلان صورت گرفت و از اخراج مفکوره از پارلمان اعتراض نمودند به ملالی جویا بحیث یکتن از مدافعین حقوق بشر و مدافع حقوق زنان بتاريخ ۲۳ جولای ۲۰۰۷ معتبر ترین نشان را که بنام (گل طلایی) یاد میشود از طرف دولت ایتالیا به دست آورده است او همچنان بدریافت چندین جایزه بین المللی دیگر نیز نایل شده است

۳- **شکریه بارکزی**- محترمه شکریه بارکزی بنت مرحوم شمس الدین بارکزی در سال 1351 هجری شمسی در شهر کابل تولد یافته است. موصوفه متاهل و دارای سه دختر میباشد. شکریه بارکزی تحصیلاتش را در پوهنتون کابل و در سال ۲۰۰۶ در پوهنتون ویست منستر لندن ادامه داده است. نامبره بحیث یکتن از زنان مبارز کشور بخاطر تساوی حقوق زنان سعی و تلاشهای زیادی نموده و بحیث عضو کمیسیون تدوین قانون اساسی و عضو لویه جرگه قانون اساسی و ریس گروه سیاسی خط سوم پارلمانی میباشد.

محترمه شکریه، بحیث مدیرمسول هفته نامه آینه زن، موسس انجمن زنان ژورنالیست و ریس انجمن خدمات زنان آسیا و فعلا صاحب امتیاز هفته نامه ترقی میباشد

محترمه شکریه بارکزی یکتن از زنان مدافع حقوق زنان در کشور محسوب شده و به حیث ریس گروه سیاسی خط سوم پارلمانی اعمال جنایتکارانه پاشیدن تیزاب بالای شاگردان لیسه دخترانه میرویس نیکه در ولایت قندهار را عمل خیر انسانی و افغانی دانسته و اظهار داشته اند و تذکر داده اند " اینکار نشان دهنده آنست که مخالفین قشر زن به هر کار غیر انسانی تن میدهند، از کشتن و حلال کردن زنان گرفته تا تیزاب پاشی و میخواهند مانع تعلیم آنان شوند. بگفته بارکزی این حرکت منفی هیچگاهی جلورش و ترقی زنان در افغانستان را گرفته نمیتواند.

محترمه شکریه بارکزی بدریافت تقدیرنامه ها و جوایز زیادی نایل شده و همچنان از طرف دولت ایتالیا برنده معتبرترین جایزه ایتالیا که **(گل طلایی)** نام دارد در 23 جولای 2007 بوی اعطا شده است.

4- **مینا** این زن مبارز و بانای جمعیت انقلابی زنان افغانستان بتاريخ 27 فبروری 1956 در کابل تولد شده و تحصیلاتش را بخاطر مبارزه علیه فساد و مظالم اجتماعی و بخاطر تامین حقوق زنان میهن ترک نموده و بحیث یک مبارز و شخصیت سیاسی اساس راوا (جمعیت انقلابی زنان افغانستان) را در سال 1356 بخاطر بسیج و تحقق خواسته ها و آرمانهای شان بنا نهاد. مینای شهید اساس و بنای جمعیت انقلابی زنان را متوجه شکنجه های روحی و جسمانی زنان میهن که از طرف نافذین قدرت بالای آنها تحمیل میشد نموده و بخاطر تحقق آن سعی و تلاش زیاد بخرج داد و صد ها مارشها و میتنگ ها را براه انداخته و سخن رانی های زیادی در عرصه های ملی و بین المللی نموده است. وی بخاطر انسجام فعالیت های جمعیت انقلابی زنان ارگان نشراتی ایرا که به پیام زن باشد در شهر کابل در سال 1959 به نشر رسانید که اهداف عمده این نشریه را جنبش مبارزات ضد روسی و اعمال خرابکارانه و تروریزم لجام گسیخته بنیاد گرایان اسلامی

تشکیل میداد. بعدها نظر به اختناق اوضاع وقت، راوا بخشی از فعالیت هایش را به پاکستان انتقال داد و به تشکیل مکاتب، شفاخانه ها، کورسهای نرسنگ، کورسهای سواد آموزی برای زنان و سایر فعالیت ها پرداخت.

مینا از ماهیت پلید بنیاد گرایان به خوبی آگاهی داشت. او یکسال قبل از شهادش پیش گویی کرده بود که اگر بنیاد گرایان در افغانستان بقدرت برسند، افغانستان بیک مرکز بیداد گریها و قتل و قتل و غارتگریها مبدل خواهد شد. بالاخره این زن مبارز در سال 1987 توسط باند گلب الدین حکمتیار به شهادت رسید.

5- زینب فواز پیشگام نهضت زنان در جهان اسلام است که در زمانش زنان هیچ حقی نداشتند. وی نخستین زن مسلمان عرب بود که توانمندانه و با بلاغت و وضاحت کلام و نوشتار خود، خواهان حقوق زن و ارتقای سطح علمی و موقعیت اجتماعی زنان شد.

" فواز " نویسنده ای روشنفکر، ادبی، دلیر و شاعری نوپرداز و بدیعه سرا بود. وی از اهالی جبل عامل، شهر تبین در مصر بین سالهای 1860-1914 میزیست.

6- ایندیرا گاندی. ایندیرا گاندی دختر جواهر لعل نهرو صدراعظم اسبق هندوستان که یکتن از مبارزان سرسخت راه آزادی و استقلال هند از کنگره ملی هند بود در 19 نوامبر 1917 در الله آباد هند متولد شد. میرمن گاندی یکی از برجسته ترین و بحث انگیزترین رهبران هند بود که در عرصه ملی و جهانی بحیث یکزن سیاستمدار از محبوبیت خاص برخوردار بود. ایندیرا از 19 ژانویه 1966 تا 24 مارس 1977 و از 14 ژانویه 1980 تا روز ترورش در 31 اکتوبر 1984 نخست وزیر هند بود. ایندیرا در کالج های پونا و سانتی نی کتان تحصیل کرد و سپس برای تکمیل تحصیلات عالی بدانشگاه اکسفورد انگلستان رفت. ایندیرا گاندی در سال 1942 با مردی بنام فیروز گاندی که هیچ نسبتی هم با مهاتما گاندی رهبر اسطوره ای استقلال هند نداشت ازدواج نمود. فیروز گاندی در سال 1946 درگذشت و دوپسر بنامهای راجیو و سانجیو یادگار گذاشت. هند در سال 1947 استقلال خود را از انگلستان حاصل نمود. باید علاوه کرد که ایندیرا گاندی به علاوه اینکه دوبار صدراعظم هند بود پُست های دیگری چون وزیر انرژی اتمی، وزیر امور الکترونیک، ویر اطلاعات و رادیو و بحیث وزیر هواشناسی نیز انجام وظیفه نموده است.

7- خاتم پولیاتیموشنکو زیباترین زن سیاست مدار جهان، نخست وزیر اوکراین که به ژاندارک اوکراین مشهور است و بزحمت زیادی به جایگاه فعلی اش رسیده است. وی بزحمت زیادی به

جایگاه فعلی اش رسیده است. در سال 1960 میلادی تولد گردیده. او در سال 1996 بدلیل مخالفت با ریس جمهور وقت از کابینه اخراج می‌گردد و اما امروز او هست که تشکیل کابینه میدهد.

8- شیرین عبادی برنده (جایزه صلح نوبل) متولد سال (1326) یک حقوقدان ایرانی، قاضی سابق دادگاه و نخستین ایرانی است که جایزه (صلح) را در سال 2003 میلادی دریافت کرده است.

9- بسیمون دوبوار را روشن‌فکران جهان، بزرگترین روشن‌فکر قرن بیستم میدانند. وی بتاريخ نهم ژانویه در کشور فرانسه در شهر پاریس در یک خانواده کاتولیک بدنیا آمد و در سن 17 سالگی موفق باخذ دیپلوم از یک مدرسه کاتولیک شد و همزمان در رشته ای ادبیات و ریاضی ادامه تحصیل نمود. در سال 1926 از رشته فلسفه فارغ التحصیل شد و در شهرهای متعدد از جمله پاریس، روین، مارسیل به تدریس فلسفه پرداخت و تا سال 1943 همچنان بتدریس مشغول بود. اولین کتابش بنام " دعوت " در سال 1943 چاپ شد که بعد از چهار سال او را مشهور و سرشناس نمود. او در طی این سالها جهت شرکت در کنفرانس‌های مختلف و ایراد سخنرانی، بکشورهای متعدد از جمله افریقا و تقریباً همه کشورهای اروپایی، چین، کوبا، امریکا و برازیل مسافرت نمود. وی سپس کتابی جنس دوم را جهت دفاع از حقوق زنان برشته تحریر آورد که آوازه آن به اکثر نقاط جهان رسید و در سال 1954 این کتاب جایزه جهانی گرفت و بسیار کتابها و مقالات نوشت و سرانجام در اپریل 1986 وفات کرد. وی تا وقت وفات از جنبشهای آزادیخواهانه دفاع میکرد.

10- وانگاری مایاتی نخستین زن افریقایی است که این جایزه بین المللی را که تقریباً یک قرن از اعطای آن میگذرد بدست آورده است. این زن افریقایی یکی از فعالترین زن افریقایی قاره افریقا در بخش حقوق بشر و محیط زیست میباشد. او همچنان اولین زن افریقایی است که سند دکتورا را در رشته علم بیولوژیک بدست دارد.

11- نینا سیمون. خواننده ای زن سیاهپوست امریکایی از معروفترین خواننده گان موسیقی جاز معاصر جهان است. او در سال 1933 در کارولینا شمالی در امریکا تولد شد و در سن 70 سالگی در فرانسه درگذشت. شهرت او صرفاً بخاطر صدای فوق العاده و مهارت زیاد و فوق العاده اش در نواختن پیانو نبوده بلکه هم بخاطر این بوده است که او از مبارزین سرسخت و خستگی ناپذیر علیه تبعیض نژادی در امریکا بوده است.

چون تعداد زنان قهرمان و مبارزچه در عرصه ملی و چه بین المللی یک نه دو نه بلکه بهزاران هزار میرسند مشکل بنظر میرسد تا در این بحث مختصر حتی از یک فیصدی و کمیت کم آن نام برد. لذا در اخیر من امید وارم که زنان قهرمان، راستین و مدافع واقعی حقوق زنان، مادران، دختران و بیوه زنان، اطفال و یتیمان در سنگر های نبرد بر علیه ارتجاع و کهنه پسندان و نظام مرد سالاری برزمنند و امید و باور قوی داشته باشند که برادران مبارزشان و سایر جوانان و هموطنان واقعا میهن دوست و خواهان صلح، ترقی و دیموکراسی در یک افغانستان آزاد و مستقل و سربلند در کنار شان خواهند بود.

سربلند و جاوید باد زنان مترقی و پیشگام وطن محبوب ما افغانستان.

نوت: در تذکرات این بحث مختصر راجع به هشتم مارچ، در بخش بیوگرافی مختصر زنان از صفحات انترنتی استفاده شده و خصوصا در بخش بیوگرافی محترمه دکتورس اناهیته راتب زاد از پژوهش محترم فضلی یکتن از مسولین پرتلاش سایت وزین «اصالت» سود برده شده است.

03-6-2010

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org